

روستا-شهر

تجربه‌ای جدید در شهرهای امروز



ساناز نوش آفرین

کارشناس ارشد
معماری منظر

SNOOSHAFARIN@HOTMAIL.COM

"اساس سکنی گزیدن رسیدن به آرامش و امنیتی است که از آشنایی با مکان و محیط و طبیعت بر می‌آید" (شاران، ۱۳۸۴). امروزه آرامش ساکنین کلان‌شهرهایی چون تهران، که با توسعه و گسترش بیش از حد به اطراف و محیط طبیعی، باعث از بین رفتن پتانسیل‌های خدادادی زمین و طبیعت شده است، به مخاطره افتاده و هر روز شاهد از بین رفتن مناظر بکر طبیعی-روستایی بیشتری در داخل و مجاور شهرها هستیم. برای احیای هویت در شهر ضروری است علاوه بر توجه به حفظ کالبد و عناصر تاریخی، تداوم تاریخی در شهر، سازمان فضایی، نقاط عطف و نشانه‌های شهری، فضاهای جمعی و خاطرات نیز در نظر گرفته شود. یکی از مهم‌ترین عناصر به جا مانده در شهرهای ایرانی، کوچه‌باغ‌ها و مناطق روستایی است که علاوه بر جذابیت طبیعی و آرامش‌بخشی، خاطرات ذهنی مشترک همه ایرانیان محسوب می‌شود.

در این راستا، امروزه علاوه بر نگرش «گردشگری روستایی» که موضوعی جهانی است و طرفداران بسیاری دارد، نگرشی به نام روستا-شهرها نیز مهم شده است. مناطق روستایی که در حاشیه شهرها بوده و در پی گسترش فیزیکی شهرها، در دل شهر به صورت ارگانیک باقی مانده و به زندگی خود ادامه می‌دهد، نام روستا-شهر را گرفته است. روستا-شهر منبع با ارزش مهمی است که علاوه بر اینکه با فضاهای سبز خود موجب تعدیل فضاهای شهری می‌شود، خاطرات و هویت شهر و جامعه را در بر می‌گیرد. حفظ و نگهداری از این میراث تاریخی-طبیعی که بخشی از فرهنگ و هویت ما را شکل می‌دهد، ضروری است. از این رو، ایده گردشگری روستایی، روستا-شهرها را به صورت فضاهای گردشگری شهری-روستایی برای گذران اوقات فراغت، و کسب آرامش و احیای هویت و خاطرات ذهنی شهروندان در دل طبیعت بکر و به دور از عوامل تکنولوژی و پیشرفت در شهرها فرض می‌کند.

واژگان کلیدی: روستا-شهر، رود-دره، گردشگری روستایی، منظر، هویت.

مقدمه

بیش از سه دهه است که در جوامع پیشرفته ما شاهد تحولات زیر هستیم:

الف. شتاب چیرگی آسیب‌رسان بشر بر طبیعت مهار شده و اندیشه سازگاری با طبیعت می‌رود تا باوری جهانی شود؛

ب. رشد جانی لجام‌گسیخته شهرها محدود شده و به انگار «توسعه شهر در درون خود» معطوف شده است؛

ت. اوج‌گیری هرچه بیشتر ارتفاع‌گرایی برای ساختن آسمان‌خراش‌های متعدد، محدود و یا ممنوع شده و جای خود را به بناهای میان‌مرتبه داده است؛

ث. در قلمرو عمومی، شبکه‌های بزرگراهی فاقد فضای شهری محدود یا برجیده شده و یا با مکانی برای حضور و تعامل شهروندان جایگزین شده است (شاران، ۱۳۸۴).

به یقین، در ایران هیچ شهر تاریخی نیست که بافت فرسوده و یا محلات و ده‌های روستایی نداشته باشد. امروزه چنین بافت‌ها و یا در واقع جزیره‌های روستایی درون شهری را «روستا-شهر» می‌نامند. نپرداختن به بافت‌های روستایی و کهنه، چه به جای‌مانده از شهرنشینی دوران باشد و چه انباشته از جریان‌های نابسامان، باعث تخریب و فروپاشی هرچه بیشتر آنها شده و این حکایت از آن دارد که همراه این تخریب، خاطرات ذهنی و گذشته به جای‌مانده از شهر است که مدفون شده و جای آن را به تصاویر مکرر ساختمان‌ها و برج‌های یک شکل می‌دهد.

بازگرداندن مردم و حفظ زندگی در این گونه بافت‌ها اگرچه با نبود امکانات رفاهی به روز سخت است، اما با ساماندهی و تأمین راهکارهای مهندسی شده، ممکن و لازم است. گذشته از این، نوگرایی ارزشی والا است اما نه در

نبرد انگاری از تصاویر تاریخی شهر و با گسستن از اصالت‌ها و به فراموشی سپردن یادها. به هر رو بافت فرسوده و روستایی از هرگونه که باشد؛ گره ناگشودنی در حیات شهر ایرانی است، و آنچه که از این بافت‌ها رها می‌ماند، تنها در همان بافت رسوب نمی‌کند، بلکه در ذهن همه شهر و از آن فراتر در خاطره ایرانی می‌نشیند.

توسعه بیش از حد تهران باعث تخریب بافت‌ها و سازمان فضایی شهری شده است. ساکنین از بافت‌های میانی برای پیدا نمودن آسایش بیشتر به سمت بافت‌های بیرونی و دره‌ها و مناطق خوش آب و هوای اطراف شهر رفته و روستاهای مجاور بافت شهری را برای سکونت اختیار کرده‌اند. این امر موجب تخریب باغات و فضاهای بکر و درختان شده، سرزندگی و نشاط فضاهای شهری از بین رفته و عدم رسیدگی به این روند موجب زوال و نابودی بستر طبیعی می‌شود و اگر امروزه به این گونه فضاها توجهی نشود و به حفظ و حراست از محیط زیست و اکولوژی طبیعی اطراف نپردازیم، دیگر قادر نخواهیم بود که خاطرات باقیمانده از روزگاران قدیم خود و اطرافیان و مناطق به یادگار مانده روستایی را حفظ نماییم (تصویر ۱). بنابراین اتخاذ روش‌ها و سیاست‌هایی که بتواند ضمن پیوند قوی بین بافت روستایی و شهری، موجب ارتقای کیفیت زیست محیطی روستا-شهرها شود، حائز اهمیت است.

مواردی که لزوم توجه به روستا-شهرها (فضاهای روستایی درون شهری) را ضروری می‌کند، عبارت است از:

- نیاز مبرم انسان برای بازگشت و پیوند با طبیعت
- لزوم حمایت از منابع طبیعی

"شهر، مکانی است دارای جمعیت بیشتر و با تراکم نسبی بالا و وسعت زیاد که در آن مشاغل غیر کشاورزی غالب بوده و از نظر اجتماعی نامتجانس باشد و در آن محیط مصنوع و چشم‌انداز انسانی حکمفرما بوده و محل تمرکز فعالیت‌های اداری، سیاسی و خدماتی باشد.

در مقابل، واحد سکونتگاهی روستایی چنین تعریف می‌شود: فضای اجتماعی که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت، نوع خاصی از فعالیت اقتصادی-عمدتاً فعالیت کشاورزی-غلبه دارد. در این نوع، فعالیت‌های بخش صنعت و به خصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است. روابط اجتماعی-اقتصادی سکونتگاهی روستایی معمولاً در عرصه‌هایی محدود و مشخص جریان دارد و ساکنان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام روستا مشخص می‌شود. این مجموعه مکانی-فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی و اقتصادی خاص و پیوندهای ویژه محیطی-اکولوژیک، اجتماع معینی را به وجود می‌آورد که می‌توان آن را فضای روستایی خواند" (ایزدی خرامه، ۱۳۸۳).

روند تبدیل روستا به شهر

عمده‌ترین ویژگی قرن حاضر، چشم‌اندازهای جدید در سکونتگاه‌های انسان و تمرکز بی‌سابقه جمعیت در کلان‌شهرها است. افزایش روند شهرنشینی نه تنها شهرها را با گسترش فیزیکی و جمعیتی مواجه کرده، بلکه گذر و دگرگونی سکونتگاه‌های روستایی به شهر را نیز در بر گرفته است. پدیده‌ای که از آن به شهرگرایی روستایی یا شهری شدن روستاها نام می‌برند. این رشد شهرنشینی از سه طریق افزایش طبیعی جمعیت و به تبع آن افزایش شهرنشینی، مهاجرت روستاییان به مناطق شهری و تبدیل نقاط روستایی به شهر رخ داده که تبدیل نقاط روستایی به شهر خود از سه طریق زیر صورت گرفته:

۱. روستاهای بزرگاندام‌وپر جمعیت که با رشد جمعیت به نقاط شهری تبدیل شده‌اند
۲. روستاهایی که با ادغام در یکدیگر به هدف متعارف جمعیت نقاط شهری دست یافته‌اند و تبدیل به کانون‌های شهری شده‌اند.
۳. روستاهایی که در پیرامون و حوزه نفوذ شهرها قرار داشته‌اند و با توسعه فیزیکی این شهرها به فضاهای شهری تبدیل شده و در درون این شهرها هضم شده‌اند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۳).

- لزوم جلوگیری از تخریب بافت‌های ارگانیک و طبیعت زیبای روستایی
- توجه به کمبود فضاهای باز و سبز، مناطق تفریحی ورزشی و محیط‌های طبیعی
- توجه به چگونگی و نحوه عملکرد و اتصال حوزه‌های زیستی تهران با شهر
- لزوم نوسازی و احیای فضاهای شهری

روستا

روستا چهره نجیب زندگی اجتماعی و مامن نخستین تجارب یکجانشینی در تاریخ حیات بشری است. سادگی روابط افراد جامعه روستایی از یک سو و لزوم تلاش همگانی آنان در عرصه تولید از سوی دیگر، موجب ایجاد تفاوت‌های ماهوی میان زندگی و به تبع آن تمایز کالبدی روستاها با شهرها شده است. در این شیوه زیستی، مسکن نه محلی برای زندگی تجملاتی و روابط رسمی؛ بلکه مکانی برای فراغت و رفع خستگی ناشی از ساعت‌ها کار فیزیکی سخت است و مسکن روستایی به همان صفا و سادگی زندگی اهالی روستا است. خانه‌های روستایی به دلیل هم‌پیوندی با طبیعت مبتنی بر اصول و ارزش‌هایی است که امروزه همزیستی با محیط زیست و توسعه پایدار نامیده می‌شود.

هدف آن است که فرهنگ و ویژگی‌های روستا را به عنوان بخشی از ارزش‌های فرهنگی طبیعی و تاریخی ملی خود، پاسداری نماییم؛ زیرا اولاً بسیاری از ارزش‌های موجود در فرهنگ روستایی تنها در چارچوب ویژگی‌های روستایی قابل حفظ و نگهداری است. ثانیاً روستاها همواره پشتیبان و مکمل حیات شهرها بوده‌اند و به همین دلیل تهدید حیات روستاها خطری بالقوه برای وجود شهرها نیز به شمار می‌آید. ثالثاً حفظ روستاها موجب پایداری در محیط زیست و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مواهب طبیعی موجود در سرزمین ماست.

ملاک‌های شناخت شهر از روستا

گفتیم که ارائه تعریف مناسب از شهر، به دلیل وسعت مباحث نظری و اشکال و زمان، کار ساده‌ای نیست. اما آنچه که در تعاریف دانشمندان و محققان مختلف، به اشتراک دیده می‌شود چنین است:

۱: باغچاله اوین، باغ‌های درون شهری، عکس: نگارنده.

نیاز جوامع شهری معاصر به فضاهای مفرح و مناسب، جهت تأمین آرامش و آسایش شهروندان و معضلات این مناطق در آلودگی و اغتشاش بصری، صوتی و روانی‌ای که در شهرنشینی ایجاد می‌کند، موجبات حرکت مردم به سمت بیابان‌ها و گسترش فرهنگ بیابان نشینی را سبب می‌شود.



روستا- شهرها

با گذشت زمان، اغلب فضاهای روستایی بر اثر نفوذ شهرنشینی به دلیل میل بشر به دستیابی به مناطق بکر و خوش آب و هوا، خاصیت روستایی خود را رفته رفته از دست داده و رو به شهری شدن می‌روند. این اتفاق در ابتدا با فروش و تفکیک زمین به عنوان کالای با ارزش و به دنبال آن، تغییر شغل ساکنان از کشاورزی و دامداری به شغل‌های دیگر و سپس بر اثر نفوذ ساکنان غیر بومی، تغییر رفتار و فرهنگ و معیشت ساکنان اتفاق می‌افتد. در این زمان منطقه روستایی در دل شهر تنها از لحاظ کالبدی، به صورت روستا باقی مانده و ساکنان و فرهنگ و نوع شغل و معیشت افراد از روستایی به شهری تغییر یافته است. اما تغییرات به اینجا ختم نشده و به دنبال آن ساکنان بومی روستا نیز خواستار تغییر محیط زندگی خود شده و هر فرد به نوعی سعی در تغییر کالبد زندگی خود دارد. در این تغییرات برنامه‌ریزی نشده، مشکلات بسیاری چون: بافت و معابر ارگانیکی که برای مجتمع‌ها و جمعیت زیاد طراحی نشده‌اند، عدم تقسیم‌بندی و تفکیک مناسب زمین و الگوی ساخت و ساز واحد، عدم تطابق فرهنگ ساکنان بومی و غیر بومی و مشکلات اجتماعی آن و ... دارد. این مشکلات سیمای طبیعی و ارگانیک بافت را بر هم زده و نتیجه آن تولید فضاهایی نامناسب و ظاهری بی‌شکل و دارای هرج و مرج بصری خواهد بود.

بنابراین باید برای برخورد با روستا- شهرها، الگویی مناسب اندیشیده شود

که بتواند در ضمن فراهم آوردن امکانات و تسهیلات زندگی امروزی برای ساکنان آن، کالبد و بافت را نیز به صورت اصلی خود حفظ کند. یکی از راهکارهای مناسب در مواجهه با روستاها، ایده گردشگری روستایی است.

گردشگری روستایی

گردشگری نه تنها به مثابه زمینه‌ای برای گذران اوقات فراغت، بلکه به عنوان سیاستی جهت ایجاد تعادل منطقه‌ای و از بین بردن عدم تعادل‌ها و نیز توسعه مناطق کمتر توسعه یافته مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است. از این رو توسعه گردشگری در مناطق روستایی، که نسبت به مناطق شهری از توسعه کمتری برخوردار است، می‌تواند بسترهای توسعه اقتصادی و اجتماعی را در این مناطق فراهم آورد.

گردشگری روستایی امروزه به عنوان یکی از مردمی‌ترین نوع گردشگری، مورد توجه بسیاری از گردشگران قرار گرفته است. بر اساس ساده‌ترین تعریف، گردشگری روستایی فعالیت گردشگری است که به واسطه سفر به روستا در محیط روستایی اتفاق می‌افتد. گردشگری شهری به مناطق شهری محدود نمی‌شود بلکه به مناطق روستایی نیز گسترش می‌یابد. ارائه تعریف کاملی برای مناطق روستایی بسیار دشوار است زیرا ملت‌های گوناگون از آن تعبیر متفاوتی دارند.

رشد سریع شهرنشینی در دو قرن اخیر، ساختارهای جدید اجتماعی متفاوتی نسبت به ساختار جوامع سنتی و روستایی ایجاد کرد. بنابراین با در نظر گرفتن

۲ : کوچه باغ‌های مرکز محله اوین، عکس: نگارنده.

یکی از مهم‌ترین عناصر به جا مانده در شهرهای ایرانی، کوچه‌باغ‌ها و مناطق روستایی است که علاوه بر جذابیت طبیعی و آرامش‌بخشی، خاطرات ذهنی مشترک همه ایرانیان محسوب می‌شود.



اثرات مثبت این نوع برنامه‌ریزی عبارت است از :

۱. ساماندهی و نوسازی فضاهای مصنوعی و طبیعی روستا، کیفیت منظر روستایی را ارتقاء می‌دهد و این برای ساکنین یک سکونتگاه مطلوب است.
 ۲. با سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی، مردم محلی نیز از آثار توسعه پایدار نظیر توسعه راه‌ها، بهداشت، و امکانات جدید زندگی بهره‌مند می‌شوند (صباغی، ۱۳۸۵).
- بنابراین «گردشگری» در روستا گونه‌ای از گردشگری است که در زمره توسعه پایدار روستایی انگاشته می‌شود. مفهوم پایداری موازنه دقیق میان نیازهای ضروری امروز و فردا است. بر این اساس «توسعه پایدار» در روستا مفهومی است که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایت‌مندی همراه با افزایش کیفیت زیست بومی سکنه روستا را در نظر دارد.
- کنفرانس جهانی گردشگری در روستا در سال ۲۰۰۶ میلادی، این نوع گردشگری را شامل انواع گردشگری با برخورداری از تسهیلات و خدمات رفاهی در نواحی روستایی می‌داند که امکان بهره‌مندی از منابع طبیعی و جاذبه‌های طبیعت را همراه با شرکت در زندگی روستایی (کار در مزرعه، شرکت در آیین‌های محلی، جشن‌ها و ...) فراهم می‌آورد. به علاوه، ویژگی‌های متمایزی مانند نوع معماری و بافت کالبدی روستا، روابط اجتماعی، فعالیت‌های معیشتی، شیوه سخن گفتن، نوع لباس پوشیدن در اغلب روستاها، «گردشگری روستایی» را از دیگر اشکال گردشگری جدا می‌سازد (اکرمی و طاهری، ۱۳۸۷).

این تغییرات، تفکر در حفظ شیوه‌های قدیمی زندگی و شخصیت زندگی روستایی جلوه پیدا می‌کند. شخصیت جدامانده از روستاها، زمانی که با ارزش‌های منظر (تماشایی) و فرصت‌های بالقوه محیط روستایی ادغام می‌شوند، موجبات جلب گردشگر از مناطق شهری را به وجود می‌آورند (صباغی، ۱۳۸۵).

نیاز جوامع شهری معاصر به فضاهای مفرح و مناسب، جهت تأمین آرامش و آسایش شهروندان و معضلات این مناطق در آلودگی و اغتشاش بصری، صوتی و روانی‌ای که در شهرنشینان ایجاد می‌کند، موجبات حرکت مردم به سمت بیلاقی‌ها و گسترش فرهنگ بیلاقی‌نشینی را سبب می‌شود (تصویر ۲). همان‌قدر که زندگی شهری امروزی به علت فشارهای روانی فزاینده خود، بی‌اعتبار می‌شود، روستاها بیشتر به مدینه فاضله و سرزمینی سبز و با صفا تبدیل می‌شود، که مردم می‌توانند از دلنگی‌های روزانه به آن پناه برند. در واقع روستا تبدیل به مکانی مطلوب‌تر از شهر شده که در آن زندگی آهسته‌تر، طبیعی‌تر و معنادارتر در جریان است (شارپلی، ۱۳۸۰).

لذا در این میان تنها فرصتی که این محدوده‌ها به برنامه‌ریزان ارائه می‌دهند، امکاناتی است که طبیعت در اختیار قرار می‌دهد و می‌توان از آن برای جلب گردشگر استفاده کرد. از این رو گردشگری روستایی هر روزه به مکانیزم جذاب‌تری تبدیل شده و همه بر این باورند که آینده اجتماعات روستایی در گرو فرصت‌های اقتصادی و سیاسی است که به وسیله گردشگر در این روستاها به وجود می‌آید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه با توسعه شهرها و از بین رفتن پتانسیل‌های خدادادی زمین و طبیعت، آرامش ساکنین شهرها و کلانشهرها به مخاطره افتاده و روزانه مرگ مناظر بکر طبیعی-روستایی بیشتری را در داخل و مجاور شهرها شاهدیم. از طرف دیگر، روستاهای بزرگی در پی شهری شدن، ویژگی‌های محیطی-فرهنگی خود را از دست داده و تن به شهرهایی ناکارآمد و بی‌ساختار می‌دهند. بنابراین با توجه به رشد بیش از پیش صنعت و مدرنیته و گذران بیش از دو سوم ساعات شبانه‌روز از عمر افراد در محیط‌های خارجی و بیرونی، ضرورت رسیدگی به محیط زیست و کیفیت این نوع فضاها بسیار مهم جلوه می‌کند.

از این رو با توجه به تعاریف «گردشگری روستایی» و «روستا-شهرها»، حفظ هویت چنین محیط‌هایی به عنوان میراث به جامانده و مداخله در مکان در پاسخ به نیازهای جدید و هدایت هویت فردی و جمعی به راهی شناسیده، و دستیابی به منظر پایدار که خاطرات جمعی و هویت نسلها را به هم متصل کند، بر عهده معمار منظر است.

پیرو این تعاریف و مقدمات، معرفی و بررسی وضعیت نمونه‌هایی از روستا-شهرها، آسیب‌های وارده بر آنها، راهبردها و نوع نگاه کشورهای توسعه‌یافته به این گونه فضاها، مناسب و حائز اهمیت است و سعی می‌شود در ادامه به آنها پرداخته شود.

پی‌نوشت

Rural-Urban - ۱

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نگارنده تحت عنوان «ساماندهی و طراحی منظر روستا - شهر باغچه‌ال در تهران» است که در سال ۱۳۸۸ به راهنمایی دکتر سید امیر منصوری در دانشگاه تهران دفاع شده است.

منابع

- اکرمی و طاهری، غلامرضا و نوید (۱۳۸۷) *بهبودی بافت با ارزش روستای زیارت، آبادی*، سال هجدهم، شماره ۵۹.
- ایزدی خرامه، حسین (۱۳۸۳) *روند تبدیل روستا به شهر در ایران، چالش‌ها، مزایا و معایب*، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلسه ۱: ساخت کالبد شهر، دانشگاه شیراز.
- شاران، مهندسین مشاور (۱۳۸۴) *راهنمایی شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده*، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- شارپلی، ریچارد (۱۳۸۰) *گردشگری روستایی*، ترجمه: رحمت‌الله منشی‌زاده، فاطمه نصیری تهرانی، تهران، نشر منشی.
- صباغی، حمید رضا (۱۳۸۵) *تدوین چارچوب توسعه روستای «خفر» و ارائه الگوی طراحی با هدف توسعه گردشگری روستایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران.
- قوام پور، انسبه (۱۳۸۷) *هویت، سکون یا زندگی!*، مجله اینترنتی معماری منظر، شماره ۲۵.

